مدیریت شهری
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014
۲۲۱-۲۳۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۶

بررسی و تحلیل عملکرد مدیریت شهری از منظر مشارکت محلی و شهروندمداری؛ مورد: شهر بابلسر

محمدتقی رهنمایی- استاد تمام دانشکده‌ی جغرافیای دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علی مهدی*- پژوهشگر دوره‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، تهران، ایران.
معصومه مهدیان بهنمیری-کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.

چکیده
با رشد شهرنشینی، ایجاد و توسعه‌ی شهرها و تاثیرات مختلف آن بر جوامع شهرنشین لزوم توجه به برنامه‌ریزی مشارکتی، جهت استفاده از مسئولیت‌پذیری، مشارکت شهروندان، عدالت و حقوق شهروندی و پاسخ‌گویی به شهروندان، جهت توانمندسازیِ عملکرد مدیریت شهری، اهمیتی دوچندان می‌یابد. بنابراین از آنجایی‌که مدیریت شهری، ارتباط تنگاتنگی با جامعه شهری، شهروندمداری، تقویت مشارکت شهروندی و توجه به خواست و نظر شهروندان در اداره امور محلی و شهری دارد، مطالعه در این زمینه می‌تواند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. با این مقدمه، پژوهش حاضر نیز با علم به اهمیت مقوله‌ی شهروندمداری و موضوعات پیرامون مدیریت شهری و محلی، به بررسی این مهم در یکی از شهرهای شمالی ایران پرداخته است. پژوهش حاضر در شهر بابلسر به عنوان محدوده پژوهش، از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ میزان و درجه‌ی کنترل متغیرها، میدانی و از لحاظ نحوه‌ی پردازش اطلاعات نیز از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی می‌باشد. روش مطالعه‌ی استفاده شده نیز اسنادی- تحلیلی و پیمایشی بوده که با هدف بررسی عملکرد مدیریت شهری از دریچه‌ی مشارکت محلی و شهروندمداری به بررسی مقوله‌ی آرمان مشارکت محلی و شهروندمداری در شهر مذکور پرداخته است. نتایج این مطالعه که با استفاده از ابزارهای نرم‌افزاریی مانند ArcGIS، SPSS و همچنین آزمون‌های آماری تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA)، کندال و پیرسون می‌باشد حاکی از آن است که وضعیت نواحی شهر بابلسر از منظر شهر شهروندمدار نتایج چندان مطلوبی ندارد؛ بطوری‌که این موضوع نشانگر آن است که شهر بابلسر بر اساس اصول شهروندمداری اداره نمی‌شود و اغلب شهروندان و نیز مدیران شهری آمادگی و زمینه ذهنی لازم برای درک شهر شهروندمدار را نیافته‌اند.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، شهرِ شهروندمدار، مشارکت شهروندی، شهر بابلسر.

The analytical performance of urban management the valve of local participation citizen-based (case study: Babolsar city)

Abstract
With Growing urbanization, the creation and development of the city and its diffrent impact on urban communities the need for participatory planning is most importance for use of accountability, citizen, participation, rights and justice of civil, and accountability to citizens to empower urban management performance. Therefore as far as urban management, is associated with urban society, citizen-based, strengthen citizen participation and Attention to the request of the citizens for manage local and urban governance, study in this context can be is important. With this interpretation, the present paper also with Knowing the importance of citizen-based and subjects surrounding urban and local management has been study on one of the northern cities of Iran.this present paper in Bobolsar as the case study, is applications in term of aim, this is field in term of the amount and grade of control variables and the data processing method of the study is descriptive – correlation. Method was used to study has been documents - analysis that aimed to survey the analytical performance of urban management the valve of local participation and citizen-based has been investigated the goal of local participation and citizen-based in this city.The results of the study by using the software ArcGIS, SPSS and statistical analysis of variance (ANOVA), and Pearson , Kendall, is expressing that Babolsar does not have ideal conditions in terms of citizen-based. So it shows that it is not handle by the principles of citizen-based and most of citizens and also city managers haven,t mental preparation and background necessary to understand the citizen-based city.
Keywords: urban management, citizen-based city, citizen, participation, Babolsar city

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۷۵۳۴۰۷۰؛ رایانامه: Ali_mah7@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

هزاره‌ی جدید درحالی آغاز شده که تحولات جمعیت شهری جهان، چالش‌هایی را برای سیستم مدیریت شهری بوجود آورده (UN Habitat,2009:xxii) و گسترش روزافزون آن، طرح مباحثی چون توسعه پایدار شهری که لازمه آن مدیریت یکپارچه شهری می‌باشد راگسترش داده است (Asia urbs,2008:1). در حال حاضر نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، نسبت شهرنشینی در دنیا به ۶۵ درصد خواهد رسید (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). مسلماً در چنین شرایطی که شهرها با جذب جمعیت و فعالیت، تبدیل به مراکز اصلی خدمات، تجارت، تولید، مصرف و سکونت شده‌اند؛ اگر شهرنشینان به کمک دولت و حکومت‌ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند، خطر تمرکز امور، دور شدن از دموکراسی، کاهش کارایی، افزایش هزینه‌ها، یکسان‌سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت در زندگی شهری، به‌وجود خواهد آمد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۸۸). در این رابطه با توجه به اینکه شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود، لزوم همکاری و توجه به ابعاد مختلف تعامل این سه رکن، بیش از پیش آشکار می‌شود؛ بطوری‌که مدیریت شهری (شهرداری) به‌عنوان مرجع اصلی اداره و هماهنگی شهری، مکلف به سازماندهی و مدیریت شهر (پاپلی‌یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۶، ص ۵۱)، جهت دستیابی به آرمان شهروندمداری است. در شهر شهروندمدار، برای بهبود و توانمندسازیِ مدیریت شهری، ضرورت مشارکت همه بهره‌وران، شامل دولت (شهرداری‌ها)، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی و شهروندان، بُعد بسیار مهمی است که شهروندان به‌عنوان یکی از عناصر اصلی شهر، بایستی جهت بهبود ابعاد مختلف شهری، قدم‌های مؤثری بردارند. واقعیت امر این است که گذار به‌شیوه مشارکتی اداره‌ی امور و برنامه‌ریزی برای آن ضرورتی ناگزیر است، زیرا هم ظرفیت‌ها برای مشارکت بالا رفته و هم مسائل پیچیده‌تر از آن هستند که به‌وسیله تعداد معدودی قابل حل باشند (نیک‌پی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). بنابراین لازمه‌ی رفع ناپایداری در شهرها، رفع ناپایداری از بدنه نهادهای مدیریتی و شهر و تفویض وظایف، صلاحیت‌ها و قدرت به محلات و مردم، حاکمیت قانون، عدالت فضایی در دسترسی با امکانات و تسهیلات، پاسخ‌گویی، شفافیت، بهبود زیرساخت‌های شهری، شهروندسازی، افزایش ظرفیت و توانمندسازی بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. همچنین شهروندان می‌بایست در این شهر، ضمن احترام به شهروندان دیگر، قانون‌پذیر بوده و مشارکت جو در امور شهر باشند و بر امور مدیران شهری نظارت داشته باشند. حُسن همکاری با مسئولین شهری، حل مشکلات شهری از طریق همکاری و مشارکت نهادهای غیردولتی از شرایط لازم تحقق آن می‌باشد (غفاری‌نسب، ۱۳۸۷، ص ۴۴۹ و Gustafson,2002,468). اما در حال حاضر اکثریت جامعه فاقد سنت‌های شهروندی است؛ سنتی که خود باید با تکیه بر فرهنگ شهروندی پدید آید. نکته دیگری که دارای اهمیت است این است که با وجود پیش‌بینی‌هایی که در قوانین برای مشارکت مردم دیده شده است، هنوز این مشارکت به شکل واقعی صورت نگرفته است (شریف‌زاده و صدقی، ۱۳۸۸، ص ۴۸). بر این اساس پژوهش حاضر با توجه به افزایش جمعیت و گستره‌ی کالبدی، نگرش جدید به مدیریت شهری و مشارکت شهروندان و توجه ویژه به شاخص‌های شهروندمداری جهت تأمین خواست و نظر شهروندان در امور شهر برای رسیدن به تعادل و توسعه پایدار شهری ضروری است (شوهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷) که در پژوهش حاضر این مهم در شهر بابلسر مورد مطالعه قرارگرفته است.

سؤالات تحقیق

- آیا شهروندان امکانات و شرایط لازم را برای مشارکت در امور شهر و پذیرش روحیه شهروندمداری را دارند؟
- آیا مدیران شهری، آمادگی کافی برای استفاده از مشارکت و تقویت روحیه شهروندی را دارا هستند؟

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد تفاوت معناداری بین شهروندان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

محلات مختلف بابلسر از لحاظ آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد.

o به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

o به‌نظر می‌رسد بین میزان تحقق الگوی شهر شهروندمدار و مدیریت شهری کارآمد رابطه وجود دارد.

o به نظر می‌رسد احساس مالکیت شهروندان در یک محله یا شهر، با میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

o به‌نظر می‌رسد هرچه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری به همان اندازه بیشتر می‌شود.

مبانی نظری

با وجود اینکه شهر شهروندمدار به‌عنوان یکی از مباحث مهم مطرح شده در دهه اخیر و بویژه سال‌های گذشته بوده و از سوی دیگر بسیاری از ارگان‌های دولتی و غیردولتی همچنان روی این مباحث تأکید دارند، لیکن این مهم نه تنها در عمل چندان تحقق نیافته و معضلات و مشکلات عدیده‌ای دارد؛ لذا اغلب پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده از سوی پژوهشگران رشته‌های مختلف ابعاد خاصی از این موضوع را مدنظر داشته‌اند. با توجه به اهمیت و ضرورت شهروندمداری برای حل بسیاری از مشکلات شهری و همچنین بهبود عملکرد مدیریت شهری، توجه به این مفهوم برای گره‌گشایی بسیاری از مسائل شهرها ضروری است. براین اساس خلاصه‌ای از نظریات مرتبط با موضوع تحقیق بیان می‌شود. اثر ارسطو، اولین تلاش نظام‌مند برای طرح یک نظریه در مورد شهروندی می‌باشد، در حالی‌که اولین تجلّیِ تجربه‌ی شهروندی در دولت- شهرهای یونان بویژه در آتن از قرن پنجم تا قرن چهارم قبل از میلاد یافت شده‌اند. اما شکل و کارکرد شهروندی یونانی‌ها بسیار متفاوت از شکل و کارکرد شهروندی دوره مدرن بود (فالکس، ۱۳۸۱، ص ۲۵). شهروند آتنی،کسی است‌که در پایان آموزش‌های مدنی و نظامی، نامش در فهرست حوزه‌ی اقامت او ثبت می‌شود. فرد به‌عنوان شهروند صلاحیت سیاسی برای شغل قضا در نظام قضایی، یا برای عضویت مجالس گوناگون شورایی خواهد داشت و در زمان جنگ نقش سربازی برای دفاع از دولت شهر نیز بر آن نقشها افزوده می‌شود (گای، ۱۳۸۷، ص ۴۸). از دیدگاه ارسطو، شهروندان گروهی اندکه برای ایجاد نظم در برابر اغتشاشات و به منظور وضع قوانین برای حصول خیر مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. او تعلق یافتن به این جامعه را از طریق خون (روابط خویشاوندی) امکانپذیر می‌داند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۰-۴۹) شهروندی در روم باستان نیز به بردگان آزاد شده‌که اغلب در خانواده خود باقی می‌ماندند، اعطا شد (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹). درقرون وسطی نیز، مدل رومیِ شهروندی را زنده نگاه داشتند. حاکمیت نظام فئودالیته و شهروندی غیرهمگانی و سلسله‌مراتبی و مالکیت کاملاً هویدا بود؛ ولی با توسعه لیبرالیسم، شهروندی منطق مساوات‌گرایانه به‌خود گرفت (فلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۰). در این میان لیبرالیسم، سهم عمده‌ای در پیدایش مفهوم شهروندی همگانی داشت. در سنت لیبرال، شهروندی اساساً به‌مثابه مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود. گفته می‌شودکه این حقوق دارای کارکرد هستند. مهم‌ترین کارکرد حقوق فردی این است‌که برخورداری از آنها استقلال فردی را به همراه می‌آورد. حقوق به افراد فضا می‌دهند تا منافعشان را توسعه دهند و نیروهای بالقوه‌شان را بدون دخالت افراد دیگر یا به طور کلی جامعه، تحقق بخشند (فالکس، ۱۳۸۱، ص ۷۸). نظریه مشارکت شهروندی از دیگر دیدگاه‌هایی می‌باشدکه در این تحقیق مورد توجه می‌باشد. مشارکت شهروندی[1] و جامعه مدنی[2] سابقه غنی و طولانی دارد و از دوران یونان باستان تا به امروز همواره به اشکال گوناگون در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها بروز کرده است (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳). در این رابطه و براساس نظریه جیمز فریزر[3]، وضعیت اقتصادی و مادی شهروندان می‌تواند انگیزه‌های اساسی آنها در کنش مشارکتی باشد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹۳)؛ بدین

1. Citizanship Participation
2. Civil Society
3. J. Frazer

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



شکل ۱. به سوی شهر شهروندمدار؛ مأخذ: پیران، ۱۳۷۶، ص ۳۰.

معنی‌که هر زمان مردم از حیث اقتصادی، بهداشتی و تأمین مایحتاج اولیه زندگی در وضعیت مناسبی نباشند، نمی‌توان شاهد تحقق مشارکت فراگیر آنان در امور شهری بود. از دیگر نظریه‌های مرتبط با شهروندمداری، نظریه مدیریت شهری می‌باشد. در واقع مدیریت شهری مسؤولیت حکومت شهری است و تمام حوزه‌های توسعه شهری از خصوصی تا عمومی‌را دربر می‌گیرد (Amos,1989:208). شکل‌گیری مدیریت شهری حاصل یک‌سری نیازها است و اساساً شهرها تبلور فضایی عملکردهای انسانی بوده و در راستای برطرف کردن نیازهای مردم ساخته می‌شوند. در این بین هرچه سرعت تغییرات و پیچیدگی‌ها بیشتر و گسترده‌تر شود، مدیریت شهری نیز با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود (Oliver,2008: 24)؛ حال اگر مدیریت شهری در مسیر مطلوب و درست حرکت نکند و یا چندگانگی مدیریتی باعث عدم برآورده شدن نیازهای فوق شود، نه تنها به اهداف خود نمی‌رسد، بلکه به نارضایتی عمومی‌نیز دامن خواهد زد.

مشارکت شهروندی

واژه مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۸۹). مشارکت در واقع، مدرسه‌ای برای دموکراسی است که مردم طی آن مشکلات و پیچیدگی‌های یک دموکراسی واقعی را در می‌یابند تا برای دستیابی به اهداف گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئوولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۵۴). در حوزه مسائل شهری نیز مشارکت شهروندان، سنگ زیربنای دموکراسی و اصطلاح روشنی برای قدرت شهروندان است (Meng,2008.p33)که‌کوچک شدن اندازه دولت و به‌تبع آن شهرداری‌ها موجب شده تا همیاری مردم در پیشبرد مسائل شهر و شهرنشینی به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شود (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۵۷).

مؤلفه‌های کلیدی شهر شهروندمدار

امروزه سه مساله «یکپارچگی، تمرکززدایی و پایداری» برای توسعه سازمانی نهاد مدیریت شهری وجود داردکه شهروندمداری از ابعاد مهم این سه مسأله است. جامعه‌ی مدنی به‌گونه‌ای مشهود توانمند می‌شود و شهروندی پایه‌های مستحکمی به‌کف می‌آورد (پیران،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۱۳۷۶، ص ۴۸). زندگی شهری به سه عرصه‌ی حکومتی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌گردد و شهر وحدتی درونی می‌یابد.

در شهر شهروندمدار، شهروند باید در نقش‌های مشارکتی مدیریت بهینه شهر ایفاگر مسئولیت باشد؛ چرا که مفهوم شهروندی، بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت‌های فرد مهیا می‌کند تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود به‌سوی تعالی، بهدست گیرد. در این شهر به‌عنوان یک فرایند مشارکتی برای بهبود امور شهری می‌بایست همه بهره‌وران شامل دولت (بخصوص شهرداری‌ها)، بخصوص بخش‌های خصوصی و نهادهای غیر دولتی، مردم و شهروندان به سهم خود برای بهبود شهر قدم‌های مؤثری بردارند. با این اوصاف منظور از شهر شهروندمدار شهری است که توجه به خواست و نظر مردم یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌گردد. مشخصه‌های شهر شهروندمدار به شرح ذیل است:

۱- شهری که در آن مدیریت شهری ضمن شفافیت و پاسخ‌گویی در عملکرد خویش تمام تلاش و مساعی خود را در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توجه به خواست و نظر مردم به انجام برساند.

۲- شهری که شهروندان آن ضمن مشارکت و مسئولیت‌پذیری در کلیه امور شهر نسبت به مدیریت شهری اعتماد داشته و به شهر خود تعلق مکانی داشته باشند.

۳- شهری که دسترسی به امکانات و خدمات شهری برای استفاده شهروندان مناسب بوده و شهروندان بدون دغدغه و در کمال آسایش به امکانات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند (نظریان و شوهانی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹، صرافی و اسماعیل زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷).

مدیریت شهری پاسخگو و هماهنگ

چنان‌که شهر به مثابه سازمان قلمداد گردد، لازم است که در رأس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده گردد که همان مدیریت شهری است (شیعه، ۱۳۸۲، ص ۳۹). بنابر این، مدیریت شهری به بررسی مسائل فضایی می‌پردازد که شهروندان با آن درگیر هستند (Thooening,1970:387). رابطه شهر و شهروندی دوسویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تأثیر قاطع و امکان‌ناپذیر دارد رابطه شهر و شهروندی دوسویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تأثیر قاطع و انکارناپذیر دارد. اصلاح ساختار شهری و بهینه کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه‌کردن این رابطه نیاز داردکه مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را بر عهده دارد، و باید همه‌ی جوانب موضوع را مدنظر داشته، با دقت بررسی نماید، چراکه برای دستیابی به شهر ایده‌آل (شهر پارک، روان، سبز، پویا، فرهنگی) راهی طولانی و خطیری پیش روی ما نهاده است و تلاش عظیمی می‌طلبد (جاجرمی و همکاران، ۱۳۷۷، ص ۱۰). روابط مناسب شهروندی و مدیریت شهری باعث بسط توانایی‌های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی و فرهنگی شهروندان به شهر، تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و نیز حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان و مدیریت شهر می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ص ۴۱). به طورکلی برای تحقق شهر شهروندمدار عوامل مختلفی تأثیرگذار می‌باشند، در این بین، سه عامل نقش محوری ایفا می‌کنندکه عبارتند از: دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، شهروندان.

روش تحقیق

هر پژوهشی در مسیر دستیابی به اهداف و پاسخگویی به سؤالات ذهنی پژوهشگران، از روش یا روشهایی متناسب با نوع و چگونگی تحقیق، بهره می‌گیرد. براین اساس روش تحقیق در این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ میزان و درجه‌ی کنترل متغیرها، میدانی و از لحاظ نحوه‌ی پردازش اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی ـ همبستگی می‌باشد. در این ارتباط، پس از بررسی مفاهیم و مبانی مرتبط با موضوع پژوهش، جهت گردآوری اطلاعات از روش مطالعه‌ی میدانی (مشاهده‌ی مستقیم، مصاحبه با شهروندان و توزیع پرسشنامه) استفاده شده است. در مطالعه‌ی حاضر، شهر بابلسر به عنوان محدوده‌ی پژوهش مورد بررسی قرارگرفت و جامعه‌ی آماری آن نیز مردم محلات مختلف

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

این شهر می‌باشندکه توسط تیم ۸ نفره‌ای از دانشجویان دانشگاه بابلسر، به‌صورت تصادفی درسه ماه تابستان سال۱۳۹۱ به‌عنوان محدوده‌ی زمانی تحقیق، مورد مطالعه قرارگرفته‌اند. برآورد حجم نمونه‌ی آن براساس روش نمونه‌گیری کوکران، ۳۸۰ پرسشنامه در هر محله می‌باشد. همچنین جهت مطالعه و مصاحبه با جامعه‌ی آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. در نهایت با جمع‌آوری پرسشنامه‌های توزیع شده بین گروه‌های مختلف، مشاهدات و مطالعات میدانی و جمع‌بندی نظرات، با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی SPSS، به بررسی عملکرد مدیریت شهری در راستای بررسی میزان مشارکت شهروندان و نیز تحقق الگوی شهر شهروندمدار پرداخته شده است. همچنین با استفاده از نرم‌افزار Arc Gis نقشه‌های گویایی جهت نمایش تفاوت موضوعات مورد مطالعه در میان محلات مختلف شهر تهیه گردید. در نهایت باتوجه به نتایج، راه حل‌ها و پیشنهادهایی برای رفع مسائل موجود شهر ارائه گردیده است.

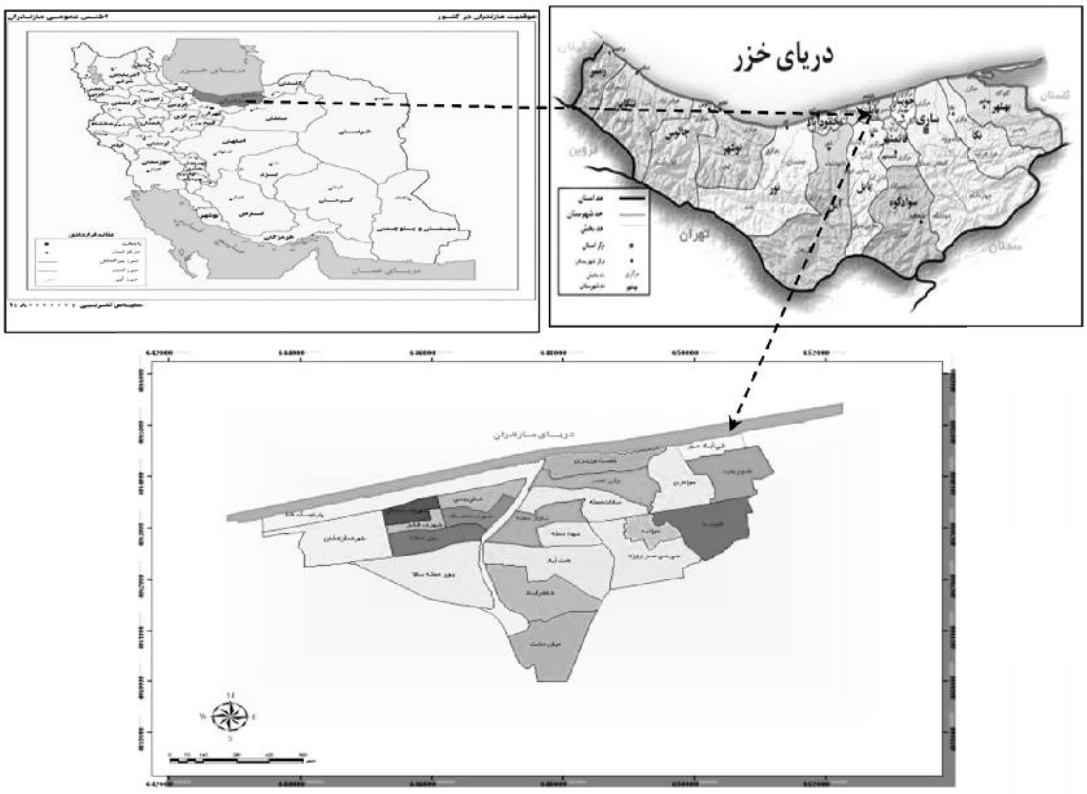
محدوده مورد مطالعه

شهر بابلسر با ۳۴۵/۷کیلومتر مربع در نیمه شرقی استان مازندران واقع شده و ۱/۴۶ درصد از مساحت استان را به‌خود اختصاص داده است. این شهر به‌عنوان یک شهر توریستی- دانشگاهی، در طی دهه‌های اخیر تحولات جمعیتی وکالبدی قابل توجهی داشته است. به‌طوری‌که جمعیت این شهر از ۷۲۳۷ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۰۰۳۲ نفر در سال۱۳۹۰ رسید. در هر حال وجود جاذبه‌های توریستی و امکانات آموزش عالی، عوامل اصلی توسعه این شهر در دوره‌های مختلف می‌باشدکه موجب گردیده با گذشت زمان افزایش محسوسی در جمعیت وکالبد خود داشته باشد (مهدیان بهنمیری، ۱۳۹۱، ص ۵۰) (میرکتولی و همکاران، ۱۳۹۰، ص۱۲۰).

یافته‌های پژوهش (ویژگی‌های عمومی جامعه‌ی مورد مطالعه)

خصوصیات جمعیتی پاسخگویان

جامعه‌ی آماری در ارتباط با بررسی و مطالعه عملکرد



شکل ۲. موقعیت محدوده‌ی مورد مطالعه در سطح ملی و منطقه‌ای

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳
No.34 Spring 2014

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱. ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در راستای تحقق شهر شهروندمدار از دیدگاه شهروندان؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

سوالات مربوط به عملکرد مدیریت شهری از دیدگاه مردم	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
	٪۱۲/۳	٪۱۵/۲	٪۲۲/۳	٪۳۷/۵	٪۱۳/۶

شهرداری بابلسر، کسانی هستند که به‌گونه‌ای با شهرداری در ارتباط می‌باشند. البته مسلماً تعداد این افراد بسیار زیاد و در سطح شهر پراکنده‌اند. در این زمینه نوع نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده می‌باشد که دراین بخش به بررسی و تحلیل پرسشنامه‌های توزیع شده میان شهروندان می‌پردازیم. بررسی وضعیت سنی پاسخگویان نشان می‌دهد که اکثر تعداد پاسخگویان، ۵۰/۸ درصد آنان در گروه سنی ۳۵-۱۵ سال قرار دارند. ۴۳/۵ درصد در گروه سنی ۵۵-۳۵ سال و ۵/۷ درصد در گروه سنی ۵۵ سال به بالا قرار دارند. همچنین داده‌های موجود در جدول نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان، یعنی ۳۶/۸ درصد آنان دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم هستند. ۳۲ درصد دارای مدرک لیسانس، ۲۰/۶ درصد دارای مدرک بالاتر از لیسانس، ۷ درصد دارای مدرک زیر دیپلم هستند. بررسی وضعیت شغلی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳۴ درصد پاسخگویان کارمند، ۱۴/۸ درصد دارای شغل آزاد، ۳/۱۲ بازنشسته، ۶/۶ درصد بیکار، ۲۴ درصد دانشجو و یا محصل، و ۸/۳ درصد را سایر تشکیل می‌دهد.

عملکرد مدیریت شهری

یکی از برجسته‌ترین وجه تمایز مدیریت شهری سنتی و جدید میزان مشارکت‌پذیری و توجه به خواست و نظر شهروندان در اداره امور شهرها است. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی، مشارکت‌پذیری، رضایت و سرانجام پایداری اجتماعی و محیطی است (صرافی، ۱۳۷۹، ص ۸۰). مطالعات اولیه از جامعه‌ی آماری نشان می‌دهد که از ویژگی‌های بارز مردم شهر بابلسر عدم تعلق و تعصب مکانی به شهر و سرزمین خود بوده که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق می‌باشد. در این تحقیق جهت بررسی عملکرد مدیریت شهری بر اساس وضعیت شهروندمداری در بابلسر بیش از ۱۰ سوال از شهروندان در قالب پرسشنامه به‌صورت تصادفی توزیع گردید. در این سوال‌ها عملکرد مدیریت شهری، وضعیت مشارکت شهروندان به‌عنوان مؤلفه‌های شهر شهروندمدار مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. براین اساس عملکرد مدیریت شهری با ترکیب بیش از ۱۰ سوال درکلیه بخش‌ها سنجش گردید.

جدول۲: توزیع درصد و میانگین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

گویه / میزان مشارکت	بسیارکم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین
مشارکت در برگزاری مراسم	۱۰	۲۵/۳	۱۶/۸	۳۵/۳	۱۲/۶	۳/۱۴
مشارکت در حفظ پارک‌ها	۲/۷	۳۰/۴	۳۴/۲	۲۲/۴	۱۰/۳	۳/۰۵
مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی	۲۴/۵	۲۲/۶	۱۰/۸	۲۱/۶	۲۰/۵	۲/۹۰
مشارکت در پرداخت عوارض شهری	۱۵/۸	۲۳/۸	۳۱/۸	۱۸/۳	۱۰/۳	۲/۸۳
توجه به قوانین در ساخت و سازها	۵/۳	۳۶/۷	۳۹/۵	۱۰	۸/۵	۲/۷۹
ارائه پیشنهادها و نظرها به مدیران شهری	۲۴/۲	۱۹/۹	۲۶	۲۲	۷/۹	۲/۶۶
مشارکت در حل مشکلات شهری	۱۵/۲	۴۲/۴	۲۰/۶	۱۱/۵	۱۰/۳	۲/۵۶
اطلاع رسانی مشکلات شهری به مدیران	۲۴/۸	۲۴/۳	۳۶/۸	۶/۳	۷/۸	۲/۴۸
بررسی میزان خدمات رسانی از طرف مدیران شهری	۲۹/۷	۲۲/۱	۳۱/۳	۹/۶	۷/۳	۲/۴۳
میزان مشارکت در اداره امور شهری	۳۶/۸	۱۷/۵	۲۲/۲	۱۴/۹	۸/۶	۲/۳۸

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

با توجه به آمارهای استخراج شده ۲۷/۵ درصد پاسخگویان عملکرد مدیریت شهری را خیلی خوب تاخوب ارزیابی کرده‌اند، ۲۲/۳درصد ارزیابی عملکرد مدیریت شهر را درحد متوسط و بیش از۵۰ درصد پاسخگویان (۵۱/۱ درصد) نیز عملکرد مدیریت شهری را در راستای تحقق شهر شهروندمدار ضعیف قلمدادکردند.

مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

جهت بررسی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از ۱۰گویه استفاده شدکه بر مبنای طیف ۵ مقیاسی است (جدول شماره‌ی ۲). با توجه به نتایج به‌دست آمده از طریق میانگین هرکدام ازگویه‌ها رتبه‌بندی شده است. بالاترین میزان مشارکت در مدیریت شهری مربوط به مشارکت در برگزاری مراسم و جشن‌ها با میانگین۳/۱۴ از ۵وکمترین میزان مشارکت نیز مربوط به مشارکت در اداره امور شهری با میانگین ۲/۳۸ از ۵ می‌باشد.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان شهروندان محلات مختلف بابلسر از لحاظ آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد.

برای سنجش معناداری تفاوت از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) استفاده گردیده تا میانگین‌های چند جامعه با یکدیگر مقایسه گردند، لذا در این بخش از این آزمون جهت مقایسه میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی به تفکیک محله استفاده می‌گردد (جدول شماره‌ی ۳).

نتایج حاصل از سطح معنی‌داری به‌دست آمده‌که‌کوچکتر از ۰/۰۵(g:۰/۰۰۰) است، نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری در ارتباط با میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهری تفکیک محله وجود دارد. آماره‌ی F نسب برآورد پراکندگی بین‌گروهی و درون‌گروهی را نشان می‌دهدکه هر چه مقدار آن بیشتر باشد، نمایانگر این موضوع است که اختلاف میانگین بین گروه‌ها بیشتر از اختلاف درون گروه‌ها بوده و در نتیجه احتمال رد فرضیه‌ی صفر و تأیید فرضیه‌ی تحقیق بیشتر می‌شود. به منظور تعیین دقیق اختلاف بین گروه‌ها، می‌توان از پس‌آزمون توکیTukey بهره جست و اختلاف گروه‌ها را با یکدیگر مقایسه نمود. طبق نتیجه آزمون توکی (جدول موجود در ضمائم)، از میان محلات شهری میانگین میزان آگاهی ساکنان محله ۷ از حقوق شهری (۱/۶۲ از ۵)کمتر از سایر محلات به‌جز محله ۱ (۱/۶۶ از ۵) و محله ۱۱ (۱/۹۵ از ۵) می‌باشد و تفاوت معناداری با آنها دارد، به‌طوریکه این محله بیشترین اختلاف را با محله ۳ (۴/۴۲ از ۵) دارد. در این میان همچنین میانگین میزان آگاهی شهروندان محله ۳، از سایر محلات، بالاتر بوده و تفاوت معناداری با تمام محلات دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی نشان می‌دهدکه میانگین میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی محله ۵ تفاوت معناداری نسبت به محلات ۶ (Sig:۰/۵۲۶) و ۸ (Sig:۱/۰۰۰) و ۹ (Sig:۱/۰۰۰) و ۱۰ (Sig:۰/۰۹۵) ندارد. نقشه شماره ۱ نیز میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی را، به تفکیک محلات نشان می‌دهد و حاکی از آن می‌باشدکه محلات ۳، ۲ و ۱۰ از آگاهی بیشتری نسبت به سایر محلات برخوردار می‌باشند. به‌طورکلی نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهدکه میانگین میزان آگاهی شهروندان کل شهر، ۲/۷۱ از ۵ می‌باشد، درواقع این نتایج حاکی از آن است‌که میزان آگاهی شهروندان کمتر از حد متوسط وکم است.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی و آگاهی

جدول۳. نتایج حاصل ازآنالیز واریانس درارتباط با میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی به تفکیک محلات؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

متغیر	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F آماره	سطح معنی‌داری
میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی به تفکیک محله	بین گروهی	۳۳۱۹ /۰۶۵	۱۰	۳۳۱/۹۰۷	۲۰۵/۷۰۶	۰/۰۰۰
	درون‌گروهی	۶۷۲۶/۶۹۵	۴۱۶۹	۱/۶۱۴		
	کل	۱۰۰۴۵/۷۶۰	۴۱۷۹			

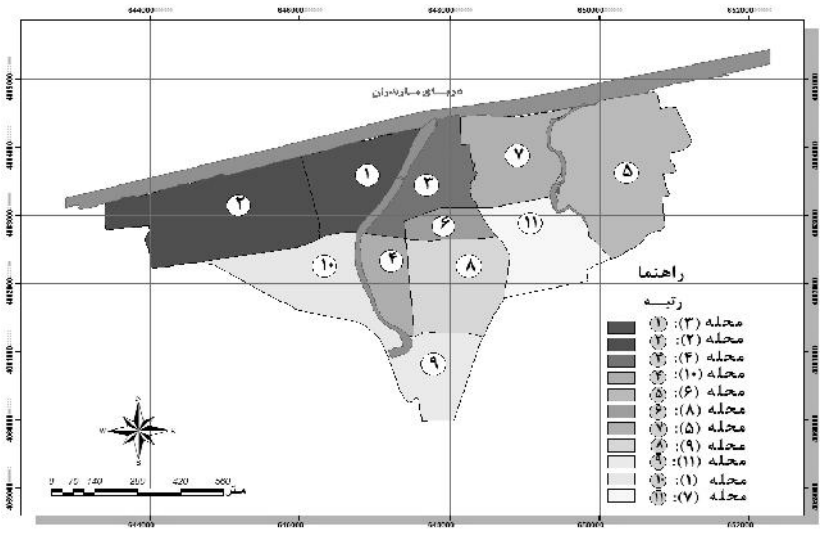
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۴. جدول تقاطعی میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی محلات مختلف شهر؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

شرح	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		میانگین
	میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی به تفکیک محلات										
محله	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
محله ۱	۱۳	۳/۴	۱۵	۳/۹	۰	۰	۱۵۵	۴۰/۸	۱۹۷	۵۱/۸	۱/۶۶
محله ۲	۱۳۵	۳۵/۵	۱۹۸	۵۲/۱	۱۱	۲/۹	۲۴	۶/۳	۱۲	۳/۲	۴/۱۰
محله ۳	۲۷۳	۷۱/۸	۵۹	۱۵/۵	۵	۱/۳	۲۱	۵/۵	۲۲	۵/۸	۴/۴۲
محله ۴	۱۱۹	۳۱/۳	۱۴۷	۳۸/۷	۶	۱/۶	۴۵	۱۱/۸	۶۳	۱۶/۶	۳/۵۶
محله ۵	۵۲	۱۳/۷	۷۳	۱۹/۲	۴	۱/۱	۱۰۴	۲۷/۶	۱۴۷	۳۸/۴	۲/۴۱
محله ۶	۶۱	۱۶/۱	۸۷	۲۲/۹	۷	۱/۸	۹۷	۲۵/۵	۱۲۸	۳۳/۷	۲/۶۲
محله ۷	۸	۲/۱	۱۲	۳/۲	۹	۲/۴	۱۵۰	۳۹/۵	۲۰۱	۵۲/۹	۱/۶۲
محله۸	۶	۱/۶	۱۲۴	۳۲/۶	۶	۱/۶	۱۴۹	۳۹/۲	۹۵	۲۵	۲/۴۶
محله ۹	۴۸	۱۲/۶	۴۵	۱۱/۸	۲۳	۶/۱	۱۴۴	۳۷/۹	۱۲۰	۳۱/۶	۲/۳۶
محله ۱۰	۵۹	۱۵/۵	۹۹	۲۶/۱	۷	۱/۸	۹۹	۲۵/۸	۱۱۶	۳۰/۸	۲/۶۹
محله ۱۱	۳۰	۷/۹	۳۳	۸/۷	۱۹	۵	۱۰۴	۲۷/۴	۱۹۴	۵۱/۱	۱/۹۵

از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

در قسمت دیگری از این پژوهش، پایگاه اجتماعی پاسخگویان، با استفاده از نمره سه متغیر شغل، تحصیلات، و میزان درآمد محاسبه شد و نتایج آن نشان می‌دهد که ۲۴/۹ درصد پاسخگویان از پایگاه اجتماعی پایین، ۴۸/۷ درصد از پایگاه اجتماعی متوسط و ۲۶/۴ درصد نیز از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. این ارقام حاکی از این واقعیت می‌باشد که بیشتر شهروندان شهر بابلسر دارای پایگاه اجتماعی متوسط می‌باشند. مسئله‌ای که در این ارتباط مورد توجه نگارندگان می‌باشد، وجود رابطه میان فاکتورهای مورد بررسی در پایگاه اجتماعی پاسخگویان و چگونگی ارتباط آن با آشنایی نسبی با مبانی حقوقی بویژه حقوق شهروندی می‌باشد. بطوری‌که مسلماً با بهبود و افزایش پایگاه اجتماعی، می‌توان امیدوار بود که افراد بیشتر و بهتر نسبت به وضعیت حقوق شهروندی بویژه در تعاون یا مدیریت شهری و محلی آگاهی یابند. در این زمینه جهت بررسی وجود رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی، از آزمون، کندال (Kendall's tau-b) و گاما (Gamma) استفاده شده



نقشه‌ی ۱. تفاوت میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در محلات مختلف شهر؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

است. در این رابطه همانطوری‌که جدول شماره‌ی ۵ نیز نشان می‌دهد، نتایج مقدار تاوبی کندال بدست آمده برابر ۰/۵۴۹ و مقدار گامای بدست آمده نیز برابر با ۰/۶۴۴ در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. بدین معنی‌که سطح معناداری هر دو آزمون در این فرضیه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد که از مقدار ۰/۰۱کمتر است. بنابراین فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی شهروندی مورد تأیید قرار می‌گیرد. در همین زمینه و بر اساس اطلاعات موجود در جدول ذیل می‌توان نتیجه گرفت‌که بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی متوسط و مستقیم وجود دارد. بنابراین، می‌توان دریافت‌که با افزایش سطح فرهنگی و اقتصادی افراد، میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی و مشارکت در امر مدیریت شهری بیشتر خواهد شد و بالعکس؛ همانطوری‌که نقشه‌ی شماره ۲ نیز نشان می‌دهد، پایگاه اجتماعی شهروندان محله ۲ و ۳ بالاتر از سایر محلات می‌باشد. بررسی‌های میدانی به عمل آمده در سطح شهر حاکی از این واقعیت می‌باشدکه ساکنین این دو محله از وضعیت فرهنگی (تحصیلات) و اقتصادی (وضعیت مساعد شغلی و مالی) مناسبی نسبت به سایر محلات برخوردارند، بنابراین نسبت به مسائل پیرامونی مانند محیط زندگی، عملکرد سازمانهای تأثیرگذار در کیفیت زندگی و محیطی و در نهایت نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خود در قبال مسائل شهری و شهروندی آگاهی بیشتری دارند. نقطه‌ی مقابل این جریان، وضعیت نامساعد فرهنگی و اقتصادی ساکنان محله ۷ می‌باشد. زیرا این محله به عنوان محله‌ای حاشیه‌نشین در شهر بابلسر، مأمن افرادی مهاجر با ریشه‌ی روستایی هستندکه از دید عموم شهروندان شهر به عنوان افرادی کولی، هم‌اکنون در این محل (اطراف امامزاده ابراهیم)، ساکن هستندکه در حال حاضر با توجه به نتایج تحلیل پرسشنامه، مشاهدات میدانی و مصاحبه با ساکنین، در مشاغل غیررسمی و دونی چون استفاده از اسب جهت سرگرمی‌گردشگران در قبال دریافت پول اندک، مشاغل عمدتاً یدی، روزمزد، ناپایدار و گاهاً در مشاغل غیرقانونی مشغول به فعالیت می‌باشندکه این عوامل در مجموع موجب گردیده تا نسبت به مسائلی چون مشارکت شهروندی، احساس مسئولیت و در نهایت آگاهی از حقوق شهروندی، در وضعیت بسیار نامطلوبی به سر برند.

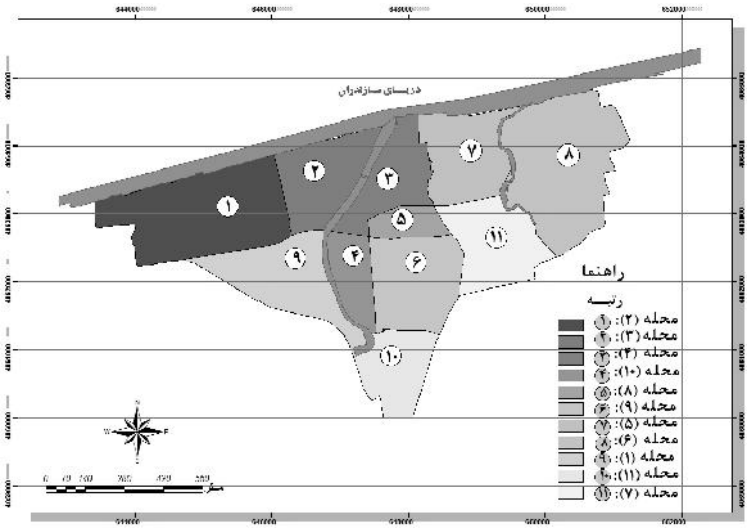
فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین تحقق الگوی شهر شهروندمدار و مدیریت شهری کارآمد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌تواند ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه‌ی اقتصادی واجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. بنابراین، هنگامی که شهر، دارای مشکلات و نارسایی‌هایی درچرخه‌ی بهداشت شهری، آلودگی‌های محیطی، اقسام مختلف آسیب‌های اجتماعی، بحران‌هایی چون مسکن، نقص امکانات و تأسیسات عمومی، بی‌کاری، زاغه‌نشینی، مشقّات اجتماعی، رشد خودروی شهری وبی‌هویتی در شکل‌گیری بافت و ساختمان‌ها باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت شهری، در تنگنا و نارسایی به سر می‌برد و بالعکس

جدول۵. بررسی رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

درصد پایگاه اجتماعی / درصد آگاهی از حقوق شهروندی	پایین	متوسط	بالا	ضریب همبستگی کندال و گاما
خیلی کم	۶۸/۴	۲۲/۷	۸/۹	R=0.549 کندال
کم	۵۷/۵	۳۲/۳	۱۰/۲	R=0.644 گاما
متوسط	۱۲/۵	۴۷/۴	۴۰/۱	** Sig=۰/۰۰۰
زیاد	۲/۶	۱۴/۸	۸۲/۶	
خیلی زیاد	۱/۲	۱۱/۶	۸۷/۲	تأیید

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نقشه‌ی ۲. رتبه بندی پایگاه اجتماعی شهروندان به تفکیک محلات مختلف شهر؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱.

(مهدی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱). در این راستا و با توجه به فرضیه‌ی مطرح شده، به بررسی این مهم می‌پردازیم. جهت آزمون فرضیه فوق، از ۱۴گویه استفاده شده وکلیه متغیرهای اصلی مؤثر در تحقق شهر شهروند مدار نیز مورد ارزیابی و سنجش قرارگرفته است. نتایج این آزمون، همان‌گونه‌که در جدول شماره‌ی ۶ نیز مشخص است، در سطح معناداری محاسبه شده (sig:۰/۰۰۴) از میزان خطای ۰/۰۱کمتر است، لذا فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت‌که بین تحقق متغیرهای مؤثر جهت برقراری شهر شهروند مدار همچون: مشارکت، اعتماد، آموزش، مسئولیت‌پذیری شهروندان، توزیع مناسب فضاهای عمومی، حضور مؤثر سازمان‌های غیردولتی و مدیریت شهری کارآمد رابطه مثبت و قوی برقرار است. در این ارتباط با توجه به نتایج آماری به‌دست آمده، شهر بابلسر را نمی‌توان شهر شهروندمداری قلمداد نمود، چراکه ۳ متغیر مهم مورد بحث از نظر نگارندگان در این زمینه‌که در صفحه‌ی شش این تحقیق به نگارش درآمده، در وضعیت کنونیِ شهر بابلسر از شرایط مطلوبی برخوردار نمی‌باشد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد احساس مالکیت شهروندان در یک محله یا شهر، با میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ذیل رابطه‌ی احساس مالکیت و میزان مشارکت را نشان می‌دهد. به دلیل اینکه در این جدول سطح سنجش رتبه‌ای بوده، از ضریب کندال استفاده شده است. این آماره در سطح ۰/۰۱ معنادارگشته است. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت‌که بین میزان احساس مالکیت و میزان مشارکت رابطه وجود دارد و ضریب همبستگی این آزمون r=0.45 که نتایج آن در جدول شماره‌ی ۷ آمده است. در واقع نتایج حاکی از آن می‌باشد، هر چه احساس مالکیت یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد هرچه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری به همان اندازه بیشتر می‌شود.

جهت بررسی فرضیه‌ی شماره‌ی پنجم، به بررسی

جدول ۶. رابطه بین متغیرهای شهر شهروندمدار و مدیریت شهری کارآمد؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

آزمون آماری	ضریب همبستگی(Correlation Coefficient)	سطح معناداری(sig)	تعداد نمونه
پیرسون(pearson)	۰/۵۸ **	۰/۰۰۴	۴۱۸۰

** همبستگی در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۷. بررسی رابطه بین متغیر احساس مالکیت و مشارکت شهروندان؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

درصد احساس مالکیت / درصد میزان مشارکت	کم	متوسط	زیاد	ضریب همبستگی کندال
خیلی کم	۵۳/۱	۴۴/۳	۲/۶	R=0.45
کم	۴۱/۴	۵۵/۱	۳/۵	
متوسط	۱/۵	۵۵	۴۵/۵	** Sig=۰/۰۰۰
زیاد	۱/۹	۱۳/۱	۸۵	
خیلی زیاد	۶/۳	۸	۸۵/۷	تأیید

** همبستگی در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۸. تغییرات میزان رشد جمعیت و مساحت شهر بابلسر از سال ۱۳۸۵-۱۳۳۵؛ مأخذ: استخراج نگارندگان از آمارنامه‌های مرکز آمار ایران، شهرستان بابلسر (۱۳۸۵-۱۳۳۵) و طرح تفصیلی.

سال	جمعیت	رشد جمعیت(درصد)
۱۳۳۵	۷۲۳۷	-
۱۳۴۵	۱۱۷۸۱	۴/۹۹
۱۳۵۵	۱۸۸۱۰	۴/۷۹
۱۳۶۵	۲۸۵۸۹	۴/۲۷
۱۳۷۵	۳۸۶۴۴	۳/۰۵
۱۳۸۵	۵۰۰۳۲	۲/۶۱

مختصر روند گسترش جمعیتی شهر پرداخته می‌شود؛ چراکه نگارندگان بر این اعتقاد می‌باشند که وجود جمعیت مهاجر و غیربومی در یک منطقه، موجب کاهش احساس تعلق به آن محله یا شهر می‌شود. براین اساس جمعیت شهر بابلسرکه در سال ۱۳۳۵ برابر ۷۲۳۷ نفر بوده در سال ۱۳۴۵ به ۱۱۷۸۱ نفر و در سال ۱۳۵۵ به۱۸۸۱۰ نفر رسیدکه جریان این تحولات در جدول شماره‌ی ۸ نشان داده شده است.

مطالعات مختلف نگارندگان از این شهر نشان می‌دهدکه مهاجرت‌های گسترده‌ای به این شهر در طول سالهای گذشته صورت گرفته است؛ بطوری‌که هم اکنون بیش از ۲۳ درصد از افراد ساکن در شهر، بین ۲۰ الی ۳۰سال گذشته به این شهر مهاجرت نموده و اصالتی غیر از شهر بابلسر دارند. همچنین مشخص شدکه محل اقامت ۷۹/۲ درصد مهاجران، شهر یا آبادی دیگر در خارج از شهرستان بابلسر بوده است‌که این مسأله بیانگر جاذبه شهری بابلسر بر روی حوزه‌ی نفوذ سیاسی- اداری آن می‌باشد. این مسأله در کنار افزایش جمعیت شهری و توسعه‌ی گستره‌ی شهری بابلسر، موجب بروز مشکلاتی دیگر نیز شده است‌که یکی از این موارد، مقوله‌ی مربوط به تعلق اجتماعی شهروندان به عنوان موضوع مورد بحث در فرضیه‌ی پنجم است. در همین زمینه جدول شماره ۹ ارتباط میان تعلق اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان را نمایش می‌دهد. چنانچه مشخص است، این متغیر نیز همچون سایر متغیرها در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است. لذا ضریب مورد استفاده برای این فرضیه تا اوبی کندال (Kendall's tau-b) است. نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهدکه بین متغیر احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد، یعنی شهروندانی‌که به محل سکونت خود وفادار بوده، احساس تعلق خاطر می‌نمایند، بیشتر از شهروندانی‌که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در امور شهری علاقه‌مندند. نکته‌ی جالبی‌که در جدول زیر مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تا اوبی‌کندال است‌که به میزان ۰/۶۸ ظاهر شده است. این ضریب ارتباطی قوی و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۹. بررسی رابطه بین متغیر تعلق اجتماعی و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

درصد احساس مالکیت / درصد میزان مشارکت	کم	متوسط	زیاد	ضریب همبستگی کندال
خیلی کم	۷۸/۶	۱۹/۳	۲/۱	R=0.68
کم	۵۳/۹	۴۶/۱	۰	
متوسط	۲۵/۵	۷۲	۲/۵	** Sig=۰/۰۰۰
زیاد	۰	۳۴/۹	۶۵/۱	
خیلی زیاد	۰	۲۱/۷	۷۸/۳	تأیید

** همبستگی در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است.

مثبت میان این دو متغیر را نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۰/۹۹ در جدول شماره‌ی ۹ مشاهده می‌شود. در مجموع نتایج این بخش از مطالعه بیانگر این مهم است که بین احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه وجوددارد که این مسأله در میان شهروندان بومی بیشتر نمایان است.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت شهروندان و مدیریت شهری پایدار رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه مشارکت دارای مزیت‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، طرح‌ریزی، اقتصادی و جزء اینهاست و همواره در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند. در همین زمینه، نتایج مطالعات صورت گرفته در شهر بابلسر نیز نشان می‌دهدکه بیشتر مردم تمایل به مشارکت در امور شهری را دارند و مشارکت را به عنوان یک متعیر مؤثر در مدیریت پایدار شهری قلمداد می‌کنند. اما در عمل مشارکت‌پذیری زیادی ندارند. در این قسمت نیز جهت نتایج آزمون به‌عمل آمده نشان می‌دهد، با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده (sig:۰/۰۰۰) از میزان خطای ۰/۰۱کمتر است، لذا این فرضیه تأیید می‌گردد.

بدین معناکه حداقل در تئوری و بنابر اعتقاد شهروندان می‌توان اذعان داشت که بین مشارکت شهروندان و مدیریت شهری پایدار رابطه مثبت معناداری وجود دارد و مشارکت فعال شهروندان، زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده می‌سازد و مدیران شهری را در جهت شناسایی بهتر مسائل و نارساییهای اجتماعی شهر و حل آنها قادر خواهد ساخت.اگرچه ناگفته پیداست که استراتژی مشارکت در همه ابعاد بیانگر روح دموکراسی، مردم سالاری حکومت‌ها و دولت‌هاست. هر چقدر نقش مردم در عرصه‌های مختلف یک نظام حکومتی زیاد باشد نشان از مشروعیت بالای آن حکومت و دولت میان آحاد جامعه و نظام بین المللی است و شهرداری به عنوان یک سازمان نیمه دولتی و غیر انتفاعی که وابستگی‌های زیادی به امکانات جامعه خود دارد، می‌بایستی ساختار مدیریتی و سازمان اداری خود را به سوی یک سیستم مشارکتی سوق دهد تا بتواند به بهترین وجه از شرایط و امکانات جامعه استفاده نماید. زیرا در این صورت است که علاوه بر اینکه به اهداف سازمانی خود نائل می‌شود، با ایجاد روند مشارکتی و دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و سرنوشت شهر، نوعی مشروعیت قانونی را از جانب شهروندان اخذ می‌کند و بدین ترتیب هم مسائل اقتصادی و هم مشکلات اجتماعی و سیاسی خود را به حداقل برساند.

نتیجه‌گیری و جمعبندی

مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی ریشه در باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی افراد جامعه دارد و برای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱۰. رابطه بین مشارکت شهروندان ومداخله آنها در امور شهر و مدیریت شهری؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها: ۱۳۹۱.

آزمون آماری	ضریب همبستگی(Correlation Coefficient)	سطح معنا داری(sig)	تعداد نمونه
پیرسون(pearson)	۰/۳۴ **	۰/۰۰۰	۴۱۸۰

** همبستگی در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است.

تحقق مشارکت افراد بایستی اعتماد، رضایت و آگاهی آنها را در فضای مناسب و مطمئن جلب کرد وگرنه مشارکت در شکل مفهومی و جامعه شناختی آن پدید نخواهد آمد یا در سطح بسیار نازلی قرار خواهد گرفت. یکی از دلایل سرزندگی و شکوفایی شهرها درکشورهای توسعه یافته این است که شهروندان نقشی برجسته در تعیین سرنوشت شهرهایشان دارند. در این جوامع، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای شهرها، با مشارکت دولت، شهروندان و بخش خصوصی در گفتمانی منطقی و رودررو انجام می‌گیرد و الگوی مدیریت خوب شهری در اداره‌ی شهرها به‌کارگرفته می‌شود. با نگاهی به تاریخ ایران، می‌توان گفت که تا چند دهه‌ی گذشته مفهوم شهروندی، شهروندمداری و مشارکت شهروندی (رعایت شدن حقوق و مسئولیت‌ها) به هیچ‌رو در این کشور وجود نداشته است. جامعه بیشتر به صورت توده‌ای و حکومتها بیشتر استبدادی عمل کرده‌اند و روند برنامه‌ریزی درکشور، بیشتر از بالا به پایین بوده است. وضعیت نواحی شهر بابلسر از منظر شهر شهروندمدار (مشارکت و غیره) نتایج چندان مطلوبی نداشته و این موضوع نشانگر آن است که شهر بابلسر بر اساس اصول شهروندمداری اداره نمی‌شود و اغلب شهروندان و نیز مدیران شهری آمادگی و زمینه ذهنی لازم برای درک شهر شهروندمدار را نیافته‌اند؛ هرچند که اظهارنظر قطعی در این مورد منوط به تکرار پژوهش در سال‌های آتی و مقایسه آن با پژوهش‌های قبلی است. همچنین نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهدکه شهروندان بابلسر در اموری مانند فعالیت در مراسم و جشن‌های محلی و مذهبی و مشارکت در حفظ فضای سبز و پارک‌ها مشارکت بیشتری از خود نشان دادند، در مقابل شهروندان این شهر در اداره امور شهری مشارکت ناچیزی دارند. همچنین از تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیر احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد، یعنی شهروندانی که به محل سکونت خود وفادار بوده، احساس تعلق خاطر می‌نمایند، بیشتر از شهروندانی که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در امور شهری علاقه‌مندند و در این فرضیه ارتباط قوی و معناداری آن ۰/۶۸ درصد دیده می‌شود. مطالعات بدست آمده نشان می‌دهدکه هرچه احساس مالکیت یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر، به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می‌کند. از دیگر نتایج بدست آمده از تحقیق به این نکته اشاره داردکه‌که بین تحقق متغیرهای مؤثر در تحقق شهر شهروندمدار همچون: مشارکت، اعتماد، آموزش، مسئولیت‌پذیری شهروندان، توزیع مناسب فضاهای عمومی، حضور مؤثر سازمان‌های غیر دولتی و مدیریت شهری کارآمد رابطه مثبت و قوی برقرار است‌که در این تحقیق با سطح معناداری ۰/۰۰۴ تأیید شده است. سرانجام این که در شهر بابلسر با توجه به آمار و اطلاعات موجود، بیشتر مردم تمایل به مشارکت در امور شهر دارند و مشارکت را به عنوان یک متعیر مؤثر در مدیریت پایدار شهری قلمداد می‌کنند اما در عمل مشارکت‌پذیری زیادی ندارند. با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده (sig:۰/۰۰۰) از میزان خطای ۰/۰۱ کمتر است، لذا این فرضیه تأیید می‌گردد؛ بدین‌معناکه بین مشارکت شهروندان و مدیریت شهری پایدار رابطه معناداری وجود دارد.

پیشنهادات

۱ـ مساعدت رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی در جهت فرهنگ‌سازی، مخصوصاً اطلاع‌رسانی در خصوص ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در امور شهری؛

۲ـ الزام مسئولین و مدیران شهری به پاسخگویی به شهروندان: پاسخگویی مدیران شهری اهمیت بالایی در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مشارکت شهروندان دارد و مسئولین باید توجه زیادی به این امر داشته باشند. این مقوله می‌تواند در قالب برگزاری کنفرانس‌های خبری از سوی مسئولین، دعوت از مردم برای شرکت در جلسات شورای شهر و استماع سخنان اعضای شورا و شهردار، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور شهروندان؛

۳ـ ایجاد و راه‌اندازی خطوط تلفن مستقیم برای ارتباط مستقیم شهروندان با مدیران جهت اراده مشکلات و خواست‌های خود؛

۴ـ اوقات فراغت شهروندان هم بستری را فراهم می‌آورد تا شهروندان فارغ از گرفتاریهای شخصی به مسائل و مشکلات شهری توجه نمایند و گاهی هم در جهت رفع آنها اقدامی‌را انجام دهند. حال مسئولین شهری می‌توانند با انجام برنامه‌ریزی دقیق برای اوقات فراغت شهروندان بهره لازم را از آن ببرند؛

۵ـ تشکیل شوراهای محله‌ای در سطح تمامی‌نواحی شهر بابلسر جهت بالا بردن میزان مشارکت و درگیر نمودن شهروندان در تصمی‌گیری امور شهر؛

۶ـ تلاش و فعالیت وسیع در زمینه آموزش شهروندان و ارتقاء فرهنگ شهرنشینی و اصول شهروندمداری و تغییر دیدگاه و باور شهروندان از تماشاچی به ناظر و مشارکتی امور شهر؛

۷ـ گسترش فرهنگ مشارکتی در ساختار مدیریت شهری: نخستین دلیل نهادی نشدن فرهنگ مشارکت، ساختار جامعه است که در راه ظهور مشارکت، مانع ایجاد می‌کند. برای گسترش مشارکت ابتدا باید فرهنگ آن را در بین تمامی افراد گسترش داد و افرادی که در جامعه قدرت را در دست دارند باید بپذیرند که مردم هم در آن سهیم هستند و حق دارند که در تصمیم‌گیری و نتایج آن سهیم باشد.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳) توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه‌ی روستایی در ایران، نشر نی، تهران.

۲. پاپلی‌یزدی، محمدحسین، رجبی سناجردی، حسن (۱۳۸۶) نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.

۳. پورعزت، علی اصغر، باغستانی برزکی، حوریه و نجاتی آجی بیشه، مصطفی (۱۳۸۶) «الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه‌ی بررسی تطبیقی اسناد موجود»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره۲۶، صص۱۶۰-۱۳۱.

۴. پورعزت، علی‌اصغر، قلی‌پور، آرین و باغستانی برزکی، حوریه (۱۳۸۸) «رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص۴۰-۷.

۵. پیران، پرویز(۱۳۷۶) «شهر و شهروندمدار»، مجله اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، شماره۱۱۹ و ۱۲۰، صص۵۱-۴۶.

۶. پیران، پرویز (۱۳۷۶) «شهر و شهروندمدار ـ۲»، مجله اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، شماره۲۱ و ۱۲۲، صص۳۱-۲۶.

۷. جاجرمی، ایمان، بیگدلی، حسین و حناچی، مهناز (۱۳۸۳) مدیریت شهری پایدار، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم، تهران.

۸. حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف(۱۳۸۵) «تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره۸۰، صص۱۳۶-۱۲۱.

۹. ربانی، رسول، قاسمی، وحید و محمد عباس‌زاده (۱۳۸۸) رابطه‌ی ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۲، صص۱۰۸-۹۱.

۱۰. شریف‌زاده، فتاح و صدقی، جواد (۱۳۸۸) «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر»، فصلنامه مطالعات مدیریت، سال ۱۹ شماره ۵۹، صص۷۰-۴۷.

۱۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) «لزوم تحول مدیریت شهری در ایران»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱.

۱۲. شوهانی، محمد و شوهانی، نادر (۱۳۸۳) «شناخت عوامل مؤثر در توسعه فیزیکی شهر ایلام»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام.

۱۳. صرافی، مظفر و اسماعیل زاده، حسن(۱۳۸۴) «شهروندمداری: راهکاری برای حل مسائل شهری در

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ایران»، مجله اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، شماره۲۱۷ و ۲۱۸، صص۱۴۵-۱۳۶.
۱۴. صرافی، مظفر و همکاران(۱۳۷۹) «مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری سازمان شهرداریها و دهیاری‌های کشور، شماره۱۴، صص۸۱-۶۸.
۱۵. طوسی، محمد علی (۱۳۷۰) مشارکت در مدیریت و مالکیت، انتشارات سازمان مدیریت دولتی، تهران.
۱۶. غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۸۷) «نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهر مجموعه مقالات نظارت همگانی شهروندی و توسعه سازمانی، نشر موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۷. فالکس،کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
۱۸. فلاح‌زاده، علی‌محمد(۱۳۸۶) «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر»، مجله دادگستری شماره ۵۸، صص ۶۴-۴۷.
۱۹. کاستلز، استفان و دیوید سون، آلیسه (۱۳۸۲) «مهاجرت و شهروندی»، ترجمه فرامرز تقی لو، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. گای، ماری (۱۳۸۷) شهروند در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، نشر و پژوهش فرزان روز، تهران.
۲۱. مهدیان بهنمیری، معصومه (۱۳۹۱) بررسی و تحلیل روند گسترش کالبدی فضایی شهر بابلسر و تعیین جهات بهینه آن با استفاده از GIS، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه‌گلستان (گرگان).
۲۲. مهدی، علی (۱۳۹۰) بررسی و تحلیلی سلامت زیست و دسترسی به شاخص‌های سلامت در محلات حاشیه‌نشین، مورد، محله‌ی شادقلی خان شهر قم، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران.
۲۳. میرکتولی، جعفر، قدمی، مصطفی، مهدیان بهنمیری، معصومه و محمدی، سیده سحر (۱۳۹۰) «مطالعه و بررسی روند گسترش کالبدی ـ فضایی شهر بابلسر با استفاده از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدرن»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره۱۶، صص ۱۳۳-۱۱۵.
۲۴. نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۰) جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری‌ها، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
۲۵. نصیری، اسماعیل (۱۳۸۱) «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری»، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره۶۲، صص۵۹-۵۶.
۲۶. نظریان، اصغر و شوهانی، نادر (۱۳۹۰) «توانمند سازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروندمدار در ایلام»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره ۱۶، صص ۱۵۱-۱۳۴.
۲۷. نیک‌پی، وحید (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل حکم‌روایی شهری از منظر مشارکت شهروندی؛ مورد شهر یاسوج، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی جغرفیا، دانشگاه تهران.
28. Amos .F(1989) ,Strengthening Municipal Gs□□□□□□□□□□□□□□□□
29. Asia urbs(2008),Urban Management, Training on Urban Sustainability Management for Municipalities, Indian Ecocities, pp.1-5.
30. Gustafson, Per. (2002). Globalisation multi-culturalism and individualism: the Swedish debate on dual citizenship, Journal of Ethnic and Migration Studies, Vol. 28,No.3.pp.463-481.
31. Oliver ,Paul ,A.(2008), City Leadership: At the Heart of the Global Challenge, GLOBAL ASIA, Vol.3, No.3, pp.21-24.
32. McGill,R(1998), Urban Management in Development Countries, Journal of Cities, Vol 15, N0 6,463-471.
33. Park, Y.C., Kawai, M., Pisani-Ferry, J., Yoshino, N., Yongding, Y.,(2008). The global financial crisis: policy choices in Asia and Europe, Asia Europe Economic Forume, pp 1-6.
34. Thooening, j.g. Fried Berge, (1970), Politigues Urbanies Et Strategise Corporative, Sociology Dutravail Dolitague Urbine, Nou, Seuil, Paris.
35. Meng, Bunnarith(2008)A Institutions, Urban Government an d Leadership: A study of the mpacts of community planning and government on the delivery of urban services and infrastructure cambadia .
36. McGill, R.(2001) ,Urban Management Checklist, Cities, Vol. 18, No.5,pp.347-354.
37. UN Habitat, (2009), Planning Sustainable Cities, Global Report on Human Settlements, United Nation Human Settlement Programme, London.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]